



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۱/۱۳

محمد مُجق

جوامع نابالغ و نخبگان ناتوان از گفتگو

افغانستان یکی از فلاکت‌زده‌ترین کشورهای جهان است و عبور از چنین تنگنایی نیازمند مشارکت و سهم‌گیری همه یا اکثریت نیروهاست، تا دست در دست هم این کشتی توفان زده را به ساحلی امن و آرام برسانند. نخستین پیش‌شرط هر گونه همکاری، گفتگوی معطوف به تفاهم است نه هیاهوی معطوف به تخاصم. اگر همه ساکنان یک سرزمین امکان گفتگو و تفاهم را نداشته باشند، دست کم نخبگانی که به سطح بلندتری از آگاهی، دانش، و تجربه رسیده‌اند باید بتوانند با هم وارد گفتگو شوند.

گفتگو چیست؟ برای پی بردن به تفاوت گفتگو با سایر گونه‌های سخن گفتن شاید بهتر باشد معادل‌های انگلیسی و عربی آن را در نظر بگیریم. در این دو زبان برای سه سطح از هم‌سخن شدن واژه‌های متفاوت وجود دارد، یکی گفت و شنود است، در انگلیسی کنواریسیشن و در عربی محادثه یا مکالمه، دیگری گفتگو است در انگلیسی دیالوگ و در عربی حوار، و دیگری گفتمان است، در انگلیسی دیسکورس و در عربی خطاب. این سه سطح از هم‌سخنی بر سه وضعیت جداگانه دلالت دارند. در گفت و شنود عادی، هدف از سخن گفتن گشودن باب نوعی تماس و ارتباط زبانی با طرف مقابل است و بس. اما گفتگو به معنای دیالوگ که در عربی به آن حوار می‌گویند، معنای عمیق‌تری دارد. وقتی سخن از گفتگوی تمدن‌ها می‌گویند نمی‌شود بگوئیم مکالمه تمدن‌ها. گفتگوی تمدن‌ها را در عربی می‌گویند حوار الحضارات. دیسکورس معنایی از این عمیق‌تر دارد و به مجموعه‌ای از مفاهیم تشکیل دهنده یک منظومه فکری کلان در یک عصر یا در یک منطقه اطلاق می‌شود، مانند آنچه در فارسی به آن گفتمان چپ، یا گفتمان فیمینیستی، و در عربی به آن الخطاب الیساری یا الخطاب النسوی می‌گویند.

در گفتگو این پیش‌فرض نهفته است که اولاً طرف مقابل هم‌سطح شما است، و شما از جایگاهی فراتر یا فروتر با او سخن نمی‌گویند. ثانیاً، به تفاوت میان خود و او آگاه هستید و این تفاوت را به رسمیت می‌شناسید. ثالثاً، هدف از گفتگو پی بردن به نقاط اشتراک و نقاط تفاوت است، و رابعاً، تلاشی است برای فهم طرف مقابل در زمینه‌هایی که متفاوت از شما می‌اندیشد، که به آن می‌گویند تفاهم، یعنی شکل‌گیری فهم متقابل. گفتگویی که هدف از آن به کرسی نشاندن نظر خود و قبولاندن آن بر طرف مقابل باشد به آن گفتگو یا دیالوگ گفته نمی‌شود، بلکه مناظره یا مناقشه می‌گویند که معادل دیبیت یا آرگیومننت است. گفتگو در اساس خود امری معطوف به فهمیدن طرف مقابل و رسیدن به زمینه‌های همکاری برای حل مشکلی مشترک است.

در افغانستان شکاف‌های متعددی در نیم قرن اخیر شکل گرفته است، از شکاف‌های قومی تا شکاف‌های زبانی، منطقه‌ای، سیاسی، ایدئولوژیکی، فرقه‌ای و مذهبی. تنوع و تکثر در جامعه اگر سبب پیدایش شکاف‌هایی ژرف شود خطری همگانی پدید می‌آید و مسئولیت همگانی است که برای دفع آن به تفاهم برسند، و برای هر تفاهمی باید گفتگو کنند. جوامع بالغ و رشد یافته به مهارت‌های قابل توجهی در زمینه گفتگو دست پیدا می‌کنند و بر سر سخت‌ترین مشکلات خود به راه حل می‌رسند. در جوامع نابالغ، نه تنها عموم مردم، بلکه حتی نخبگانش نیز از گفتگو عاجز هستند، و بر سر هر موضوع ریز و درشتی به پرخاش و هیاهو روی آورده و تسلیم غوغاسالاری می‌شوند. در جایی که امکان گفتگو و تفاهم از میان برود، جایش را خشم، خشونت، کین و نفرت می‌گیرد، و آن جامعه در باتلاق مصیبت‌هایش بیش‌تر از پیش فرو می‌رود.

آیا نخبگان افغانستان توان گفتگو با هم را دارند یا این نابالغی همچنان ادامه خواهد داشت؟

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ